

تحلیل سیاست آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران از منظر اسناد بین‌المللی

سارا رستمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

چکیده:

جمهوری اسلامی ایران طی چند دهه اخیر تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی از سوی اتحادیه اروپا و آمریکا بوده است. این تحریم‌های دارای آثار و پیامدهای مختلفی بر ایران بوده است. سوال این است که سیاست اتحادیه اروپا و آمریکا در وضع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران چیست و این تحریم‌ها از منظر اسناد بین‌المللی چگونه قابل ارزیابی است؟ مقاله پیش رو توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که ایران از جمله کشورهایی است که تاثیر زیادی بر سیاست‌های اروپا و آمریکا در منطقه دارد. به همین دلیل آنها تلاش گسترده‌ای در جهت پیوند زدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران با بمب اتمی، حمایت از تروریسم و گروه‌های تروریستی به راه انداخته و به بزرگنمایی این مسئله در سطح نظام بین‌الملل از طریق ابزارهای رسانه‌ای پرداختند. سیاست اصلی اروپا و آمریکا تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان است. از منظر اسناد بین‌المللی، تحریم‌ها نقض اصول و قواعد منشور سازمان ملل مانند اصل عدم مداخله و اصل استقلال حاکمیت کشورهاست. همچنین تحت تاثیر تحریم‌های اقتصادی وضع شده، اصل آزادی تجارت، قواعد حقوق بشری مانند حق توسعه و حق تعیین سرنوشت و قواعد حقوق بشردوستانه مانند اصل تفکیک نادیده انگاشته می‌شود.

واژگان اصلی: تحریم اقتصادی، تغییر رفتار، سیاست منطقه‌ای، حقوق بشر، حق توسعه.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

نظام اقتصادی یکی از مهمترین زیر نظام‌های جامعه است که می‌تواند بقا و فنای جوامع را رقم زند. تحریم یکی از ابزارهای کنترل اقتصادی است که برای دستیابی به اهداف سیاسی و تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره از اول خرداد سال ۱۳۵۹ تاکنون مورد تحریم این اتحادیه اروپا و آمریکا قرار داشته است. قانون داماتو یکی از شدیدترین نوع از این تحریم‌ها می‌باشد که حتی اقدام به وضع مجازات علیه شرکت‌های خارجی طرف قراردادهای نفتی با ایران کرده است. از سال ۲۰۰۶ به منظور اعمال محدودیت‌های بیشتر بر توسعه برنامه هسته‌ای ایران تحریم‌های اقتصادی با شروع تحریم‌های بانکی از سوی ایالت متحده آمریکا شدت بیشتری یافت به طوری که بخش‌های مختلفی از اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داد. در تحریم‌های بانکی - ارزی انجام معاملات مالی، نقل و انتقال پول و یا مشارکت جهت سرمایه‌گذاری با کشور هدف محدود و یا قطع می‌شود و یا حتی اقدام به مسدود نمودن دارایی‌های کشور هدف می‌کنند. امروزه تحریم‌های بانکی - مالی که یکی از بخش‌های آن تحریم ارزی است را می‌توان مهمترین مخاطره در حوزه تحریم‌های اقتصادی تلقی نمود. ضرورت تنوع‌گرایی در روش‌های پرداخت مرتبط با تجارت خارجی کشورها را بر آن داشته تا علاوه بر روش‌های سنتی انتقال ارز و پوشش، ریسک، ابزارهای جدیدی را نیز به موازات آن ایجاد کنند. یکی از شاخه‌های تحریم‌های اقتصادی دولت ایالات متحده آمریکا بر علیه ایران در جامعه بین‌المللی، استفاده از جنگ ارزی است. این بدان معناست که کشور ایالات متحده با تحریم ایران در فروش کالا و عدم امکان انجام معاملات بانکی و به طبع آن عدم خرید اقلام اساسی از جمله دلار و طلا که به‌عنوان پشتوانه‌های یک نظام اقتصادی در جهان مطرح می‌باشد، در صدد اعمال فشار حداکثری به ایران در سطح جامعه جهانی می‌باشد که به این رفتار ایالات متحده، جنگ ارزی اطلاق می‌گردد که آثار حقوقی بسیاری در سطح بین‌المللی بر آن مترتب می‌باشد. یکی از تأثیرات اصلی تحریم‌ها بر اقتصاد ایران، کاهش قابل توجه در تجارت بین‌المللی است. با اعمال تحریم‌ها، ایران ممکن است با مشکلاتی مانند کاهش صادرات، کاهش ورود سرمایه خارجی و کاهش دسترسی به فناوری‌های پیشرفته مواجه شود. این موارد می‌توانند منجر به کاهش تولید، افزایش نرخ بیکاری و کاهش درآمد ملی شوند. علاوه بر این، تحریم‌ها می‌توانند باعث افزایش هزینه‌ها و کاهش توان رقابتی صنایع داخلی شوند. به عنوان مثال، در صورتی که ایران به واردات وابسته باشد، تحریم‌ها باعث محدودیت در واردات کالاهای اساسی مانند مواد خام یا قطعات می

شوند، هزینه تولید در داخل کشور افزایش می‌یابد و صنایع داخلی با مشکلات روبرو می‌شوند. تحریم‌ها همچنین می‌توانند تأثیرات منفی بر روی ارزش پول ملی داشته باشند. با کاهش تجارت بین‌المللی و کاهش ورود ارز خارجی، ارزش پول ملی ممکن است کاهش یابد و این موضوع می‌تواند به افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید مردم منجر شود. به طور کلی، تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد ایران و معیشت مردم تأثیرات منفی قابل توجهی داشته‌اند. این تأثیرات شامل کاهش تجارت بین‌المللی، افزایش هزینه‌ها، کاهش توان رقابتی صنایع داخلی و کاهش ارزش پول ملی می‌شوند. در چنین شرایطی یکی از سوالات اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که سیاست اتحادیه اروپا و آمریکا در وضع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران چیست و این تحریم‌ها از منظر اسناد بین‌المللی چگونه قابل ارزیابی است؟ به منظور بررسی سوال مورد اشاره ابتدا تحریم‌های اقتصادی اتحادیه اروپا و آمریکا علیه ایران و سیاست‌های آنها در وضع تحریم‌ها بررسی شده و در ادامه از رویکرد اسناد بین‌المللی نسبت به تحریم‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. تحریم‌های اقتصادی اتحادیه اروپا و آمریکا علیه ایران

اتحادیه اروپا و آمریکا تحریم‌های اقتصادی متعددی علیه ایران وضع کرده‌اند که بررسی همه این تحریم‌ها، نیازمند یک بحث مجزاست. «شورای وزیران اتحادیه اروپا تاکنون تحریم‌های متنوع و متعددی را علیه برنامه اتمی ایران به صورت مصوبه‌های مستقل از هم تصویب کرده است. تحریم‌های اتحادیه اروپا همه کشورهای عضو را ملزم به رعایت آن می‌کند. اولین تحریم اتحادیه اروپا علیه برنامه اتمی ایران بر مبنای تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، بهمن سال ۱۳۸۶ (فوریه ۲۰۰۸) تصویب شد. اعمال برخی محدودیت‌ها در ارسال قطعات، تجهیزات و فناوری‌هایی به ایران که می‌توانست در گسترش فناوری‌های موشکی و اتمی کاربرد داشته باشد، هدف اولین دور از تحریم‌های اتحادیه اروپا بود. این محدودیت‌ها در سال‌های بعد به حمل و نقل هوایی و دریایی، معاملات بانکی، فروش نفت و سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران گسترش یافت و تجهیزات، فناوری‌ها، اشخاص و شرکت‌های مورد تحریم بیشتری را شامل شد. در صورت توافق جامع اتمی ایران و گروه ۵+۱، مسئول سیاست خارجی اتحادیه به همراه سه کشور اروپایی حاضر در مذاکرات (بریتانیا، فرانسه و آلمان) متعهد به لغو تحریم‌ها می‌شوند. لغو تحریم‌ها از سوی شورای وزیران اتحادیه اروپا با تصویب طرحی در این شورا انجام

می‌شود» (ریکاردز، ۱۳۹۳، ۷۸) ایران فعالیتهایی در یمن فلسطین اشغالی، عراق و سوریه دارد که نقطه بحران منطقه هستند و همه کشورها در تلاش‌اند تا بتوانند با ابزارهای ممکن به اهداف خود برسند که غربی با اعمال تحریم در تلاش بودند تا ایران را در مسائل منطقه مورد تحت فشار بگذارند و امتیازاتی از ایران بگیرند و هرچند نفوذ ایران بیشتر معنوی است و تحریم نقشی در کاهش نفوذ ایران نداشت.

با نگاهی به فهرست تحریمهای وضع شده از سوی ایالات متحده آمریکا علیه ایران می‌توان دریافت که به طور کلی این قوانین به دو دسته تقسیم می‌شوند تحریمهایی که توسط کنگره وضع شده‌اند و تحریمهایی که توسط شخص رئیس جمهور وضع شده‌اند و به فرمان اجرائی^۱ مشهورند. تحریمهایی که بر اساس فرمان اجرائی رئیس جمهور وضع شده‌اند بر حسب اختیاراتی هستند که قانون اختیارات اضطراری اقتصادی^۱ به رئیس جمهور می‌دهد که بر اساس این قانون رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا می‌تواند هر زمان که وضعیت اضطراری را در رابطه با یک کشور تشخیص دهد محدودیتهایی را در رابطه با تبادلات اقتصادی با آن کشور اعمال کند. «یکی از این تحریمهای تاثیرگذار بر اقتصاد، ایران فرمان اجرائی شماره ۱۳۵۹۹ است که به طور مشخص تحریم بانک مرکزی ایران را هدف گرفته و مقرر می‌دارد که داراییهای آن در قلمرو آمریکا باید توقیف شود. قانون مزبور به دولت آمریکا این اختیار را می‌دهد که اگر تأیید کند که بانک مرکزی ایران به تأمین مالی تکثیر سلاحهای کشتار جمعی نمی‌پردازد یا سایر اشخاص تحریم شده در دستورهای اجرائی ۱۳۲۲۴ و ۱۳۳۸۲ را حمایت مالی نمی‌کند این تحریم را ملغی نماید»^(۱) «همچنین فرمان اجرائی شماره ۱۳۲۲۴ که به موجب آن، تراکنشهای مالی با افرادی که از تروریسم حمایت می‌کنند یا به انجام اقدامات تروریستی تهدید می‌نمایند و یا مرتکب این اقدامات می‌شوند منع گردیده و داراییهای این افراد را نیز مسدود می‌کند. یکی از اصلی‌ترین اهداف تحریمهای ارزی-اقتصادی تغییر رفتار کشور مورد تحریم به دلایل مربوط به روابط خارجی می‌باشد. تحریمهای اقتصادی معمولاً بعنوان ابزاری در تعقیب سیاست خارجی به کار می‌روند. اینگونه استدلال می‌گردد که هدف جنگ ارزی - اقتصادی این است که تا حد امکان به اقتصاد دشمن خسارت وارد نماید» (ظریف و میرزایی، ۱۳۷۶: ۵۶). به همین دلیل تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران با هدف قرار دادن نقطه آسیب پذیر آن یعنی ارز، به عنوان یکی از شاخصهای مؤثر از طرف آمریکا

1. IEEPA

مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از مهمترین ویژگیهای تاریخ اخیر تحریمهای اقتصادی ظهور آمریکا بعنوان متمایل ترین کشور برای اعمال تحریمها به منظور اهداف مربوط به سیاست خارجی است بین سالهای ۱۹۲۲ و ۱۹۹۶ آمریکا ۶۱ تحریم یکجانبه را اتخاذ کرد که از میان آنها ۲۳ تحریم متوجه ۳۵ کشور گردیده است که روی هم رفته ۴۲ درصد جمعیت جهان را شامل می‌شود. بررسی سوابق تحریمها مبین این نکته است که در اکثر موارد، تحریمهای ارزی تأثیر اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برجا گذاشته‌اند اما موفقیت سیاسی آنها چندان قابل توجه نبوده است.

در حال حاضر ایالات متحده از دلار به عنوان سلاح استفاده می‌کند به این طریق که چون دلار ایالات متحده مبنای ذخایر و معاملات جهانی است می‌تواند در جنگ ارزی علیه کشور هدف با کاهش و یا قطع دسترسی این کشور به دلار و سیستم پرداخت جهانی به این کشور فشار وارد کند. ایالات متحده این کار را از طریق اعمال تحریمها انجام می‌دهد. آمریکا با تحریم بانک مرکزی ایران و مسدود کردن داراییهای ایران جنگ اقتصادی تمام عیار علیه ملت ایران را رقم زد. آمریکا تلاش کرده تا با وضع تحریمهای هوشمندانه به تدریج اقتصاد ایران را محاصره و آن را فلج کند. با تحریمهای نفتی درآمد کشور تا حد ممکن پایین می‌آید تحریمهای پولی و مالی باعث می‌شود که پولی را هم که داریم نتوانیم جابه‌جا کنیم و با وجود تحریمهای صنعت حمل و نقل واردات و صادرات بعضی از کالاها دچار مشکل کلیدی می‌شود. آمریکا در سالهای اخیر با این اقدام توانست بدون اینکه به ایران صادرات داشته باشد، از ابزار دلار برای ضربه وارد کردن به اقتصاد ایران استفاده کند آمریکا با هدف قرار دادن اقتصاد ایران درصدد است که ثبات و بقای نظام جمهوری اسلامی ایران را به هم بزند تحریمهای آمریکا علیه ایران از ابتدای انقلاب تا سال ۸۹ موردی بوده و عمدتاً توسط خود آمریکا اعمال می‌شده است اما از سال ۸۹ به بعد آمریکا تلاش کرد تا همه‌ی قدرتهای اقتصادی را علیه ایران بسیج کند و از سویی دیگر تحریمها را جامع و کامل کند و هر چیزی که می‌تواند را تحریم کند رییس جمهور اوباما در دستور اجرایی ۱۳۶۲۲ در مرداد ۱۳۹۱ (۳۰) جولای (۲۰۱۲) مراودات مالی هر فرد و نهاد مالی با صنعت پتروشیمی خرید نفت و محصولات پتروشیمی ایران را از طریق کشور ثالث ممنوع اعلام کرد. هدف از این نوع تحریمها جلوگیری از عقد پیمانهای پولی دوجانبه و چندجانبه بین ایران و کشورهای دیگر است؛ زیرا پایه پیمانهای پولی استفاده از حسابهای ریالی در بانکهای خارجی است. ترکیب دو مجازات سنگین در این تحریم نشان دهنده اهمیت موضوع پیمانهای پولی در نظر طراحان تحریم در آمریکاست. یکی

از مهمترین نکاتی که باید درباره ساختار تحریم‌ها علیه ایران بدانیم، پیچیدگی و در هم تنیدگی تحریم‌های حوزه‌های مختلف و اثرگذاری زیاد بر روی هم است. تلاش آمریکا این بوده است که تحریم‌ها را به گونه‌ای طراحی کند تا همچون تار عنکبوت به دور اقتصاد ایران پیچیده شود. تحریم مالی و بانکی نقش زیر ساخت و ستون محوری را برای مابقی تحریم‌ها بازی می‌کند. چراکه همه‌ی تحریم‌های حوزه‌های مختلف اقتصادی و تجاری، کاملاً محتاج این تحریم‌ها هستند. در تحریم‌های مالی و بانکی، هدف ایزوله کردن اقتصاد ایران و مسدود کردن مبادی درآمدهای ارزی ایران است.

۳. سیاست اتحادیه اروپا و آمریکا در وضع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران

در این قسمت به بررسی سیاست آمریکا و اتحادیه اروپا در وضع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران پرداخته می‌شود. مهمترین دلایل تحریم‌های اقتصادی اروپا و آمریکا علیه ایران عبارتند از:

۱-۳. طرح اتهام حمایت ایران از تروریسم

«طرح اتهام حمایت ایران از تروریسم»، برنامه اتهامی دیگر بود که در شکل‌گیری درک آنها از ایران مؤثر بود. «از دید آمریکا، شاید حملات ژوئیه ۲۰۰۶. م. حزب الله به رژیم صهیونیستی آخرین مورد از توسل به تروریسم باشد که ایران جهت پیشبرد اهداف سیاسی خود در منطقه به آن دست زده بود اما سالهاست که ایران از تروریسم به عنوان ابزاری برای طرح قدرت خود استفاده کرده بود. در سالنامه وزارت خارجه آمریکا گزارشی با عنوان «گزارش عملکرد تروریستی کشورها در سال ۲۰۰۴ م در آوریل ۲۰۰۵ م چاپ شده بود که در آن ایران فعال‌ترین دولت پشتیبان تروریسم خوانده شده و آمده است که وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران هر دو برای گروه‌های تروریستی حزب الله لبنان و فلسطین بودجه، مالی، پناهگاه، آموزش و اسلحه فراهم کرده‌اند»

(U.S.Department State, 2005: 88)

«غربی‌ها ایران را متهم می‌کنند که با پشتیبانی از گروه‌های مبارز فلسطینی در روند مذاکرات صلح اخلال می‌کند. در زمینه دیدگاه غربیها نسبت به سلاح‌های کشتار جمعی و به ویژه سلاح هسته‌ای می‌توان به راهبرد جدید اتحادیه اروپا که در تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۰۳ م. توسط وزرای امور خارجه این اتحادیه تصویب شد، اشاره کرد. در این راهبرد توسل به زور به عنوان آخرین راه حل پیش بینی شده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۳: ۵۳-۴۰).

ایجاد بی‌ثباتی در عراق از سوی ایران طرح اتهامی دیگری بود که از سوی آنها بیان می‌شد.

«به اعتقاد آنها نقش ایران در عراق گسترده است و این تهدیدی جدی برای منافع ملی و این کشورها محسوب می‌شد. غربی‌ها بر این باور بودند که ایران می‌توانست از طریق عوامل تروریست خود سیستم اطلاعاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر ابزارهای طرح ریزی و نفوذ قدرت در هر زمانی پشتیبانی خود را از حملات ضد نیروهای ائتلاف در عراق و دیگر نقاط خاورمیانه به طور چشمگیری کاهش می‌داد. به عقیده مقامات آمریکایی ایران از سه طریق در بی ثبات سازی عراق مؤثر بود اول از طریق نقش از ن کشور در روند سیاسی عراق به نظر آمریکا، ایران حمایت از احزاب سیاسی شیعی عراق سعی دارد بر جریان امور سیاسی تأثیر بگذارد» (Byman, 2005: 90). «دوم از طریق حمایت ایران از شبه نظامیان عراق در این رابطه سازمانهای اطلاعاتی وزارت خارجه و وزارت دفاع آمریکا گزارش داده بودند که ایران، برای شبه نظامیان شیعی عراق، آموزش بودجه و سلاح تأمین می‌کند» (Staff Report of the House, 2006: 121) «از نظر آمریکا، سومین راه بی ثبات سازی عراق از سوی ایران، دست داشتن این کشور حملات ضد آمریکا و نیروهای ائتلافی در عراق بود در این زمینه می‌توان سخنرانی بوش ۱۳ مارس اشاره کرد که اظهار داشت: نیروهای ائتلافی مواد منفجره دست سازی را که مشخص تولید شده است. کردند. به اعتقاد مقامات آمریکایی شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد گروههای شورشی عراق از نیروهایی در ایران کمک دریافت می‌کردند» (Bush, 2006: 56). طرفداران تحریمها معتقد بودند که به دلیل تحریمها درآمدهای نفتی ایران کاهش و تجارت خود و کشورهای ایران در توانایی خود برای دخالت در کشورهای نظیر عراق، افغانستان، سوریه، لبنان یا کشورهای خلیج ایالات متحده و متحدان آن با کاهش درآمدها و ذخایر ارزی امیدوارند که ایران بتواند در حمایت مالی خود از جنبشهایی مانند حزب الله بیشتر مورد توجه قرار گیرد علاوه بر این تحریمها تعادل نظامی منطقه را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که به نفع ایران نیست؛ و در حالی که تحریمها باعث کاهش صادرات نفت ایران می‌شود، در کوتاه مدت و میان مدت نفوذ ایران به عنوان یک بازیکن انرژی جهانی تا حدودی کاهش می‌یابد. البته این رویکرد نیز موفق نبود چون در برخی موارد تحریمها توانایی ایران در اعمال نفوذ خود در منطقه نداشت. ایران به پشتیبانی از حزب الله لبنان شبه نظامیان شیعه در عراق و در افغانستان ادامه داد ایران اعضای سپاه پاسداران (سپاه پاسداران) خود را برای مشاوره و حتی مبارزه با دولت بشار اسد در سوریه علیه مخالفان فرستاد تا حدودی نفوذ و قدرت ایران در منطقه و وفاداری ایران به برخی گروههای غیر دولتی به

مسائل مالی وابسته نیست، بلکه به مسائل جغرافیایی و فرهنگی مذهبی روابط تاریخی و ایدئولوژیکی مرتبط است.

۲-۲. مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران

«مخالفت اتحادیه اروپا و آمریکا و سایر کشورها با برنامه هسته‌ای ایران از لحاظ سیاسی نه تنها ترس حقیقی آنان از انحراف ایران از رژیم بین‌المللی سلاح‌های کشتار جمعی بلکه تابعی از تخطی ایران از نظم نوین جهانی مدنظر سیستم لیبرال دموکراسی جهانی، حمایت ایران از جنبش‌های اسلامی در منطقه مانند حماس و حزب الله و ایجاد مانع در نهادینه شدن ثبات سیاسی در لبنان مداخله در عراق و افغانستان به عنوان حوزه‌های جدید امنیتی غرب، گسترش به اصطلاح بنیادگرایی اسلامی و به خطر انداختن وضع موجود با اتخاذ سیاستهای تجدید نظر طلبانه بود. از منظر اروپایی ایران کشوری است که جایگاهی مشابه با آلمان در ابتدای قرن بیستم دارد چنان بزرگ که امکان موازنه برای این کشور دشوار است و به قدری کوچک که نمی‌تواند نقش یک هژمون را بازی نماید. مشخصه دیگر ایران از نگاه اروپا این است که دارای هیچ کشور دوستی در جهان نیست و تنها هم‌جواری با همسایگانی در دسرساز در منطقه دارد» (فلاحی، ۱۳۸۶: ۱۷)

«بنابر اصول اساسی راهبرد جدید اتحادیه اروپا، گسترش تمام انواع سلاحهای کشتار جمعی (بیولوژیک شیمیایی و هسته‌ای و وسیله انتقال آنها تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی است. در این راهبرد هشدار داده تا دستیابی تروریستها به این سلاحها تهدیدی مضاعف برای جامعه بین‌المللی حسوب می‌شود در این راهبرد بر تلاش برای یافتن راه‌حلهای سیاسی در جهت ممانعت از دستیابی کشورها این گونه سلاحها و در صورت لزوم استفاده از اقدامات قهرآمیز تاکید شده است. این راهبرد مبنای ذهنیت اتحادیه اروپا را نسبت؛ تهدید سلاح‌های کشتار جمعی نشان می‌داد نمونه آن را می‌توان در نگرش اروپا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران مشاهده کرد» (خالوزاده، ۱۳۸۵: ۲۵۸-۲۵۷)

«رویکرد امنیتی اروپا نیز نقش مهمی در اقدامات آنها در شورای امنیت در موضوع هسته‌ای ایران نیز اهمیت ویژه‌ای داشت مجاورت جغرافیایی و موقعیت راهبردی خاورمیانه تأمین قسمت اعظم نفت اروپا، تأمین ثبات و امنیت منطقه وجود ادیان بزرگ جهان در خاورمیانه و تحولات داخلی این منطقه همانند اسلام، سیاسی اختلافات قومی و مذهبی از جمله مهمترین دلایل اهمیت خاورمیانه برای اروپاست» (خوش اندام، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۳۳). «اروپا در واکنش به تمایلات

کشورهای منطقه خاورمیانه در دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی راهکارهایی نظیر حمایت از سازوکارهای رژیم بین‌المللی مبارزه با گسترش این سلاحها در خاورمیانه جلوگیری از دستیابی رژیمهای غیر متحد امریکا در این منطقه به هرگونه برنامه مرتبط با سلاحهای کشتار جمعی و روابط سیاسی اقتصادی و امنیتی جداگانه و مستحکم با همه کشورهای منطقه در جهت رسیدن به اهداف عدم اشاعه هسته‌ای را در پیش گرفته است» (خوش اندام، ۱۳۸۶: ۱۳۳-۱۲۰).

«ترس از ظهور ایران به عنوان یک هژمون منطقه‌ای آخرین عامل مؤثر بر نگرش امنیتی آمریکا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران بود. پس از جنگ سرد بیشترین تهدیدات ضد امنیت ملی آمریکا در سطح منطقه‌ای بوده و آمریکا برای تحکیم موقعیت خود در نظام بین‌الملل نیازمند حضور در مناطق استراتژیک جهان مانند خاورمیانه است. برخی از دولتها نیز در تلاش برای تبدیل شدن به هژمونهای منطقه‌ای اند که ایران از جمله این کشورهاست» (قهرمان پور، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۴). «از آنجا که در نظام مبتنی بر ثبات هژمونیک امکان حضور هژمونهای منطقه‌ای که قدرت هژمون جهانی را به چالش بکشند وجود ندارد لذا آمریکا تلاش کرده است تا مانع تبدیل شدن ایران به یک کشور قدرتمند در خاورمیانه شود» (لاریجانی، ۱۳۸۴: ۸-۱).

«نبود درک صحیح از ماهیت انقلاب اسلامی یکی از دلایل اصلی این بحران شناخت است که مانع از اتخاذ یک سیاست مستمر و منسجم توسط غربیها و متحدان آنان در قبال ایران شده بود ارتباط تنگاتنگی میان رویکرد امنیتی آمریکا به موضوع هسته‌ای با رویکرد کلی آن نسبت به ایران وجود داشت و از هر زاویه‌ای که به واکنش آنها نسبت به موضوع هسته‌ای ایران نگاه شود نمی‌توان پرونده هسته‌ای را از موضوع کلی ایران در رویکرد این کشورها جدا کرد» (قهرمان پور، ۱۳۸۷: ۸۲-۷۹).

«یکی از عوامل دیگر فشار شورای امنیت بر ایران لابی قدرتمند یهودی بود که نگران افزایش قدرت ایران و به خطر افتادن موقعیت برتر رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه بود برنامه هسته‌ای ایران بیش از هر کشوری، رژیم صهیونیستی را تحت تأثیر قرار داده بود. دو برداشت بسیار مهم در ساختار قدرت رژیم صهیونیستی نسبت به ایران وجود داشت یک نگرش ایران را دشمن ایدئولوژیکی می‌دانست که به دنبال نابودی فیزیکی رژیم صهیونیستی است و نگرش دوم ایران را کشوری پیچیده می‌دانست که تابعی از منافع ملی و حفظ ملاحظات نظام سیاسی خود است» (کلاوسون و سوکولسکی، ۱۳۸۴، ۹۲). «افزایش قدرت ایران در منطقه باعث قدرتمند شدن

مخالفان رژیم صهیونیستی و جنبشهای مقاومت فلسطینی خواهد شد که به نفع رژیم صهیونیستی نیست به علاوه افزایش قدرت این کشور به واسطه دستیابی به فناوری حساس چرخه سوخت می‌توانست رهبران آمریکا را به سوی مذاکره با ایران بکشاند، چیزی که رژیم صهیونیستی همواره از آن هراس دارد» (قهرمان پور، ۱۳۸۷: ۱۰۱)؛ بنابراین رژیم صهیونیستی تمام تلاش خود را کرد تا از طریق نفوذ در نظام تصمیم‌گیری، جهانی مانع از هسته‌ای شدن ایران شود.

۴. تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا از منظر اسناد بین‌المللی

۴-۱. نقض تحکیم و گسترش دادوستد بین‌المللی

«با افزایش وابستگی دولتها در زمینه اقتصادی تحکیم و گسترش داد و ستد بین‌المللی نه تنها ضرورتی اقتصادی است، بلکه اهمیت آن در زمینه سیاسی نیز مورد تردید نمی‌باشد و در حال حاضر به‌عنوان یکی از اهداف حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است. با در نظر گرفتن این واقعیت که در دنیای کنونی هیچ یک از ملتها نمی‌توانند به مرحله خود کفائی در زمینه اقتصادی دست یابند وابستگی آنها به یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است و روابط تجاری بین‌الملل به منزله یکی از ضرورت‌های جامعه بین‌المللی مورد قبول می‌باشد» (غریب آبادی، ۱۳۸۵، ۹۲). «در پی تصویب منشور و بر اساس آن، مذاکراتی در جهت تقلیل موانع موجود در زمینه مبادلات بین کشورهای انجام گرفت که همگی حاکی از توجه خاص دولتها به تجارت بین‌الملل و ضرورت تضمین آن می‌باشد. تردیدی نیست که این اقدامات در تحلیل آخر حافظ منافع کشورهای پیشرفته صنعتی بوده و عملاً منجر به گسترش روابط تجاری و اقتصاد این کشورها شده است. بهمین علت بدنبال استقلال سرزمینهای غیر خود مختار و ورود آنها به صحنه بین‌الملل، فعالیت‌های گسترده‌ای به منظور تجدید نظر در نظام تجارت بین‌المللی و تأمین منافع کشورهای در حال توسعه آغاز شد. این کشورها بر این عقیده‌اند که یکی از مهمترین عوامل توسعه اقتصادی دادوستد بین‌الملل است که بیش از کمک‌هایی که در برنامه‌های مختلف به نفع آنها منظور شده در رویارویی با فقر اقتصاد شمر ثمر خواهد بود. بعبارت دیگر هدف و انگیزه دادوستد بین‌المللی صرفاً برطرف کردن احتیاجات طرفین در زمینه تجاری نمی‌باشد، بلکه بایستی در مواردی که یکی از طرفین کشوری در حال توسعه است از آن همچون حربه‌ای در جهت توسعه اقتصادی‌اش استفاده نمود» (صیقلانی، ۱۳۸۹: ۷۳). «تردیدی نیست که مبادلات تجاری در صورتی خواهند توانست نقش خود را بخوبی ایفا نمایند که نظام تجاری حاکم نابرابریهای موجود بین کشورهای صنعتی پیشرفته و کشورهای در حال

توسعه را مد نظر داشته باشد. منشور حقوق وظایف اقتصادی دولت‌ها که در اجلاس ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب اکثریت قریب به اتفاق دولتها رسید و حاوی اصول ناظر بر نظام نوین اقتصادی است، بر لزوم اعطای امتیازاتی به کشورهای در حال توسعه نهائی یعنی توسعه اقتصادی این کشورها از طریق گسترش دادوستد بین‌المللی امری ضروری می‌داند. در چنین شرایطی قطع و برقراری مجدد روابط تجاری نمی‌تواند در حیطة صلاحیت دولتهای باقی بماند و عملاً توسعه و پیشرفت حقوق بین‌الملل در زمینه اقتصادی در جهت شناسائی (حق) تجارت (بمنفع یکایک اعضای جامعه بین‌المللی می‌باشد و منشور فوق‌الذکر نیز بر این امر تاکید دارد. برقراری روابط تجاری بین کشورها می‌تواند عامل فوق‌العاده موثری در جهت پیشرفت حقوق بین‌الملل و تضمین آن باشد و عملاً مشکلات ناشی از فقدان ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل را بر طرف کند منشور سازمان ملل متحد نیز با تاکید بر ضرورت گسترش روابط و همکاریهای بین‌المللی تلویحاً این نظریه را تأیید کرده است) (نژندی منش، ۱۳۸۵: ۸-۱). «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری بین دولتها طبق منشور سازمان ملل متحد که در اجلاس سال ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد رابطه مستقیمی بین برقراری و توسعه روابط تجاری و تحکیم صلح بین‌المللی برقراری می‌کند. در اکثر اسناد مربوط به نظام نوین اقتصادی نیز از همکاریهای بین‌المللی در زمینه اقتصاد و تجاری بعنوان بهترین عامل در جهت تعدیل روابط بحرانی موجود بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته صنعتی یاد شده است. از این میان، قطعنامه صادره توسط هفتمین مجمع عمومی ویژه سازمان ملل متحد که به نظام نوین اقتصادی اختصاص داده شده و حاوی رهنمودهایی برای فعالیتهای آتی سازمان‌های بین‌المللی مربوط در این زمینه می‌باشد، طبیعتاً از اهمیت خاصی برخوردار است. در این قطعنامه زمینه مختلف همکاری‌های بین‌المللی که در رأس آنها تجارت بین‌المللی قرار گرفته. مشخص شده است، و گسترش روز افزون همکاریهای بین‌المللی بعنوان عامل تعیین‌کننده‌ای در جهت استحکام صلح و امنیت بین‌المللی مورد قبول قرار گرفته است» (Shaw, 2008: 300) این اعلامیه نه تنها به منزله تأیید فعالیتهای قبلی کنفرانس ملل متحد برای تجارت و توسعه (اونکتاد) در رابطه با گسترش هر چه بیشتر حجم مبادلات بین کشورهایی است که دارای سیستم‌های اقتصادی متفاوت اند و یا از لحاظ توسعه در سطوح مختلفی قرار دارند، بلکه بر اقدامات این رکن فرعی مجمع عمومی سازمان ملل و بر رسالت آن صحنه گذاشته است.

۴-۲. نقض اصل حاکمیت دولت‌ها

«علی‌رغم صراحت فصل هفت منشور، عده‌ای بر این عقیده‌اند که سلب صلاحیت دولت‌ها در توسل به تحریم اقتصادی با اصل حاکمیت بخصوص اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع خود مغایرت دارد. تردیدی نیست که به کرات مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیگر اسناد بین‌المللی مانند (اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود مورد تأیید قرار داده و حتی اعلامیه ۱۹۷۴ درباره حقوق و وظایف اقتصادی، دولت‌ها با اتکا به اصل آزادی ملل در تعیین سر نوشت خود هر یک از اعضای جامعه بین‌المللی را در انتخاب طرف مقابل خود در داد و ستد بین‌المللی آزاد گذاشته است)» (موسی زاده، ۱۳۹۰، ۴۲۱). «میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورخ ۱۹۶۶ که اکثر دولت‌ها بدان ملحق شده‌اند و از سال ۱۹۷۶ برای طرفین این میثاق لازم الاجرا شده است. هیچ نوع تردیدی را در این باره جایز نمی‌داند. بطور کلی کلیه اعضاء سازمان ملل نه تنها در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور و یا استعمال آن بایستی خودداری نمایند بلکه از توسل به اقداماتی که همکاری‌های بین‌المللی را متزلزل کند نیز باید بپرهیزید. اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری‌های بین دولت‌ها طبق منشور ملل متحد نیز این نکته تأکید می‌کند و تهدید علیه عوامل سیاسی اقتصادی و فرهنگی دولت‌ها را مغایر با حقوق بین‌الملل می‌داند، و توسل به اقدامات اقتصادی را به منظور دست یافتن به هر نوع مزایا محکوم می‌کند. رفتار و عملکرد دولت‌ها نیز به نوبه خود عامل فوق‌العاده موثری در جهت محدودتر ساختن صلاحیت دولت‌ها در زمینه توسل به مجازات اقتصادی است» (نژندی منش، ۱۳۸۵: ۸). این میثاق از سال ۱۹۷۶ ما بین دولتهای عضو منجمله ایران، ایالات متحده آمریکا و کلیه کشورهای اروپای غربی لازم الاجرا می‌باشد.

۴-۳. نقض اصل عدم مداخله

باید اذعان داشت که «مقررات مربوط به تجارت خارجی در واقع بخشی از حقوق اقتصادی داخلی است که دولت را قادر می‌سازد آزادی سکنه خود را محدود سازد. مقررات کنترل ارزی و همچنین مقررات واردات و صادرات با اهداف سیاسی مهمترین نمونه اقتصاد ملی هستند که معطوف به روابط اقتصادی بین‌المللی هستند. برای مثال کنگره ایالت متحده این اجازه را به رئیس جمهور می‌دهد تا با استناد به حفظ امنیت ملی رسیدن به مقاصد سیاست خارجی یا حفظ منابع کمیاب صادرات این کشور را محدود کند. از نگاه ایالت متحده همین که یک رفتار صرفنظر از

محل شکل‌گیری آن بر سرزمین آمریکا دارای اثر باشد یا حداقل هدف از آن ایجاد اثر بر این کشور باشد می‌تواند سببی باشد برای آنکه مقامهای ایالات متحده در ارتباط با آن رفتار اقدام به وضع قوانین کند» (موسی زاده، ۱۳۹۰، ۴۲۵). این تفسیر موسع در ارتباط با صلاحیت سرزمین آمریکا در پاراگراف ۴۰۲ سومین سند حاکم بر سیاست خارجی مورد اشاره قرار گرفته است. بنابراین با چنین تفسیری باید پذیرفت که قیدی در ارتباط با محدود کردن صلاحیت قانونگذاری ایالات متحده وجود ندارد ولی حقیقت آن است که خود ایالات متحده در پاراگراف ۴۰۳ سند فوق‌الذکر محدودیتی را در ارتباط با وضع قوانین فراسرزمینی قرارداد است که در آن بیان نموده "حتی زمانی که منبای صلاحیتی مطابق پاراگراف ۴۰۲ وجود دارد اگر در اعمال این صلاحیت غیر معقول باشد یک دولت نمی‌تواند از صلاحیت خود برای وضع قوانین در مورد اعمال مرتبط با یک دولت دیگر استفاده کند. فلذا اصل عدم مداخله که رویه دولتها وجود آن را بشدت مورد تأیید قرار می‌دهند، از وجود یک اجماع حقوقی میان دولتها حکایت می‌کند. اصل عدم مداخله در ماده ۸ کنوانسیون مونته‌ویدئو در مورد حقوق و وظایف دولتها ماده ۵۱ منشور سازمان کشورهای آمریکایی ماده ۸ منشور اتحادیه عرب و ماده ۳ منشور سازمان وحدت آفریقا نیز گنجانده شده است. از نظر دوایر تحقیق کنگره آمریکا دولت ایالات متحده، تحریم‌های ارزی را به عنوان اقدامات غیر نظامی تعریف می‌کند که بر جریان، کالاها خدمات یا دارایی‌های مالی به یک کشور خارجی خاص اثر سوء می‌گذارد بدین منظور که این کشور به دلایل سیاسی تنبیه شود یا مورد اجبار قرار گیرد یا با این هدف که ناخرسندی آمریکا از اعمال آن کشور ابراز گردد. بر اساس ماده ۳۲ منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولتها اعلام می‌دارد که هیچ دولتی نمی‌تواند از اقدامات اقتصادی، سیاسی، یا هر نوع دیگر از این اقدامات برای مجبور کردن دولتی دیگر به منظور فرمان برداری از آن در اعمال حق حاکمیت خود، استفاده یا این اقدامات را تشویق کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۲: ۱۰۳-۱۰۲). پس از این نیز اصل عدم مداخله در امور داخلی در اعلامیه‌های متعدد مصوب سازمانها و کنفرانسهای بین‌المللی از جمله قطعنامه ۱۳۱۲ اجلاس بیستم مجمع عمومی در ۱۹۶۵ یعنی اعلامیه غیر مجاز بودن مداخله در امور داخلی دولتها و حمایت از استقلال و حاکمیت آنها منعکس شده است. بند ۲ قطعنامه فوق مقرر می‌دارد هیچ دولتی نمی‌تواند از اقدامات اقتصادی سیاسی یا هر نوع دیگر از این اقدامات برای مجبور کردن دولتی دیگر به منظور فرمان برداری از آن در اعمال حق حاکمیت خود استفاده یا این اقدامات را تشویق کند و یا تضمین هر نوع امتیازی

را از آن دولت مطالبه نماید(هکی، ۱۳۸۹: ۱۷۸-۱۷۶). با تکیه بر این قطعنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و رسیدگی به دعوای مربوط به فعالیتهای نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوئه و علیه آن، محتوای این اصل را مورد توجه قرارداد براین اساس می‌توان گفت که تحریمهای ارزی یک جانبه آمریکا علیه ایران و تهدید و دستور این کشور به سایر کشورها مبنی بر لزوم اجرای تحریم مدنظر این کشور، ناقض اصل عدم مداخله در امور داخلی ایران محسوب می‌گردد.

۴-۴. نقض اصل آزادی تجارت

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد(آنکتاد) در قطعنامه‌ای با عنوان "عدم قبول اقدامات اقتصادی قهرآمیز" اینگونه بیان می‌دارد: تمام کشورهای توسعه یافته باید از اعمال محدودیت، تجاری، محاصره، ممنوعیت معامله و سایر مجازاتهای اقتصادی مغایر با مقررات منشور ملل متحد علیه کشورهای در حال توسعه، به عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشورها اثر می‌گذارد خودداری ورزند. همچنین مجمع عمومی به کرات اقدامات اقتصادی قهرآمیز را به عنوان وسیله دستیابی به اهداف سیاسی تقبیح کرده است. از مجموع رویه دولتها نیز می‌توان این اصل را استخراج نمود چرا که با رجوع به نظام داخلی کشورها مشاهده می‌شود که در زمینه قوانین مربوط به تجارت و اقتصاد اصل بر آزادی اتباع قرار گرفته است مگر آنکه توسط قانونی محدود شود. این اصل حقوقی داخلی بلاشک از اصول اولیه و طبیعی در حقوق خصوصی، معاملات و تجارت است. با استفاده از متدولوژی حقوق بین‌الملل و یا استفاده از روش استقرا می‌توان اصل کلی حقوقی را برای نظام حقوق بین‌الملل استنباط نمود که همان آزادی تجارت تابعان حقوق بین‌الملل اعم از کشورها و شرکتهای فراملی است. بنابراین می‌توان گفت در نظام حقوق بین‌الملل اصل بر آزادی تجارت است

مگر آنکه قاعده‌ای مصرح حقوقی آن را ممنوع یا محدود سازد. در این زمینه ماده ۴۱ منشور ملل متحد این اختیار را به شورای امنیت داده است تا در صورت اقتضا این محدودیت را اعمال نماید. با توجه به حرکت این اصل به سمت عرفی شدن تحریم بانکهای و ارزی نقض صریح این اصل عام الشمول بشمار می‌آید.

۴-۵. نقض حقوق بشر

«منشور سازمان ملل متحد به‌ویژه در مواد ۵۵ و ۵۶ به روشنی به پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر، استانداردهای بالاتر، زندگی اشتغال کامل و شرایط پیشرفت و توسعه اقتصادی و

اجتماعی و احترام جهانی برای رعایت حقوق بشر اشاره دارد. ماده ۵۶ منشور ملل متحد به تعهد همه اعضا برای دستیابی به اهداف مندرج در ماده ۵۵ اشاره می‌کند ماده ۶۲ منشور ملل متحد به شورای اقتصادی و اجتماعی مأموریت داد توصیه‌هایی به هدف ترویج احترام و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه ارائه کند که در نتیجه کمیسیون حقوق بشر تأسیس گردید و در نهایت در سال ۲۰۰۶ جای خود را به شورای حقوق بشر واگذار کرد. به‌علاوه تعداد بی‌شماری از کنوانسیون‌ها و معاهدات حقوق بشری در درون سیستم سازمان ملل مورد مذاکره و تصویب قرار گرفته‌اند از نظر فنی، شورای امنیت مانند دولت‌ها عضو این معاهدات نیست ولی هر یک از این معاهدات در واقع تفسیر و تبیین دیدگاه‌های حقوق بشری منشور هستند که این امر شورای امنیت را از طریق ماده ۲۴ منشور به اصول این معاهدات متعهد می‌نماید (عمادی، ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۲۲).

مقاله حق توسعه یک از موضوعات مهم حقوق بشر می‌باشد (Shaw, 2008: 301). در سال ۱۹۸۶، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه حق بر توسعه را به تصویب رساند (عمادی، ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۲۲). این سند در ماده ۹، خود تأکید مجددی بر وابستگی متقابل و تقسیم‌ناپذیر همه انواع حقوق بشر می‌نماید و به دنبال ارائه چارچوبی برای طیف وسیعی از موضوعات می‌باشد. به موجب ماده ۱ قطعنامه مزبور حق توسعه، یک حق بشری انکارناپذیر برای همه نوع بشر به منظور مشارکت و بهره‌مندی از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد، در حالی که طبق بند ۳ و ۴ این قطعنامه، کشورها مسئولیت اولیه برای ایجاد شرایط مطلوب به منظور تحقق حق مزبور، از جمله وظیفه تدوین سیاست‌های توسعه بین‌المللی را برعهده دارند. پس به طور کلی حق توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است. براین اساس سه ارزش اصلی حق بر توسعه عبارتند از: الف: معاش زندگی (تأمین نیازهای اساسی؛ ب اعتماد به نفس عزت نفس و ج آزادی از قید بردگی قدرت انتخاب) (هکی، ۱۳۸۹: ۱۷۸-۱۷۶).

باید یادآور شد که در تحریم‌های اروپا و آمریکا نقض گسترده انواع حقوق بشر، خود به خود موجب نقض حق بر توسعه می‌گشت، زیرا سه ارزش اصلی حق بر توسعه در این گونه تحریم‌ها به طور کلی نقض می‌شوند؛ لکن در تحریم‌های هوشمند نقض این حق تا زمانی که این تحریم‌ها متوجه افراد خاطی، باشند به طور چشمگیری کاهش پیدا می‌کند ولی زمانی که تحریم‌های هوشمند قسمتی از صنعت یا اقتصاد کشور هدف را نشانه می‌گیرد که حیات آن جامعه وابسته به آن می‌باشد، و باعث نقض گسترده حقوق افراد بیگناه، شوند آنگاه می‌توان گفت که

تفاوتی بین تحریمهای فراگیر و هوشمند در این زمینه وجود نخواهد داشت.

علاوه بر این، حق بر بهداشت از جمله حقوق مهم بشر است که تحت تاثیر تحریمهای اقتصادی کاملاً آسیب پذیر است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند ۱ ماده ۲۵ خود حق هر کس در داشتن زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش در برخورداری از مواردی همچون مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری می داند با در نظر گرفتن تفاوت های ژنتیکی و شیوه انتخابی زندگی افراد و همچنین میزان درک علمی و حداکثر منابعی که یک دولت در اختیار دارد، حق بر بهداشت، حق برخورداری از بالاترین استاندارد قابل حصول در زمینه سلامت جسم و روان می باشد (David and Lopez, 2002). این حق در بردارنده آزادی هایی همانند حق کنترل بر سلامت و جسم و حقوقی چون برابری در دسترسی به مراقبت های بهداشتی می باشد حق بر بهداشت متشکل از دو جزء اصلی می باشد: شرایط زندگی سالم؛ و مراقبت های بهداشتی (Salgado, 2005: 16)، کمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برداشت موسعی از حق بر بهداشت را پذیرفته است که بر اساس آن: «حق بر بهداشت حقی فراگیر می باشد که نه تنها به مراقبت بهداشتی و درمانی به موقع و مناسب دلالت می کند بلکه همچنین به عوامل اساسی مرتبط با بهداشت و درمان، مانند دسترسی به آب سالم و قابل شرب و بهداشتی مناسب مصرف کافی مواد غذایی سالم تغذیه و مسکن، شرایط زیستی و کاری سالم و دسترسی به آموزش و پرورش و اطلاعات مرتبط با بهداشت، از جمله در مورد سلامت جنسی و باروری مشارکت مردم در در اتخاذ تمامی تصمیمات مرتبط با بهداشت در سطح جامعه ملی و بین المللی یکی از مهمترین جنبه های این حق می باشد».

۶-۴. نقض قواعد حقوق بشر دوستانه

«ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ درخصوص حمایت از اشخاص غیرنظامی در زمان جنگ ماده بسیار مهمی است که به اصرار کمیته بین المللی صلیب سرخ در این کنوانسیون گنجانده شد پروتکل های مورخ ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون های چهارگانه ژنو آن ها را تکمیل نموده است مطابق ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو دولت های عضو مکلف اند عبور آزادانه کلیه محموله های دارویی و بهداشتی را که برای ساکنان غیرنظامی و دشمن حمل می شوند تأمین نمایند. همین تعهد در مورد مواد غذایی ضروری و پوشاک غذای تقویتی مخصوص کودکان زیر ۱۵ سال زنان باردار و زنانی که تازه وضع حمل نموده اند وجود دارد دامنه شمول این ماده فقط افراد آسیب پذیر جامعه

را شامل می‌شود. لیکن ماده ۵۴ پروتکل شماره یک الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ با بیان این مطلب که استفاده از حربه قحطی به‌عنوان یک روش جنگی علیه غیرنظامیان ممنوع است، این حمایت را به‌کل جمعیت غیرنظامی ساکن در سرزمین اشغال‌شده تسری می‌دهد» (شایگان، ۱۳۹۰: ۱۸۶-۱۱۵). «در ماده ۴ این پروتکل رساندن مواد غذایی و دارو و نیز تدارک پوشاک و وسایل استراحت و سرپناه ضروری را به‌منزله مقتضیات ضروری برای بقای جمعیت قلمداد کرده است. با این وصف بر طبق این مقررات وظیفه دولت‌های عضو کنوانسیون چهارم ژنو یا پروتکل الحاقی به تأمین عبور آزاد مشروط به آن است که این کمک‌ها به دست گروه‌هایی از غیرنظامیان که ذی‌حق هستند برسد شکی نیست که هدف از تعهد به تضمین تدارک مواد غذایی و دارو برای ساکنان غیرنظامی تداوم حق حیات آن‌هاست» (نعمتی، ۱۳۸۸: ۸۲-۸۳).

حال سؤالی که در اینجا به نظر می‌رسد این است که مبنای قواعد حقوق درگیری‌های مسلحانه و اعطای چنین حمایت‌های مهمی که در کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو گنجانده شده چیست؟ به نظر می‌رسد که مبنای این قواعد ریشه در اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد حق حیات به‌عنوان یک حق اساسی و ذاتی بشری در اعلامیه جهانی حقوق بشر قلمداد شده و ماده ۴ این کنوانسیون هیچ‌گونه تخطی از آن را مجاز ندانسته است لیکن آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان یک حق ذاتی بشری آورده شده است نوآوری نمی‌باشد جای تردید باقی نمی‌ماند که شورای امنیت با توجه به ویژگی عام الشمول بودن این قواعد موظف است در زمان تصویب تحریم‌های اقتصادی این قبیل موازین بین‌المللی بشردوستانه را مورد ملاحظه قرار دهد. همچنین با توجه به این ویژگی عام الشمول بودن برخی از مقررات حقوق بشردوستانه لازم است شورای امنیت برای محدود کردن آثار ناخواسته و جانبی و غیرضروری تحریم‌های اقتصادی خود همواره معیارهای، ضرورت تناسب و تفکیک میان رزمندگان و غیر رزمندگان را که در حقوق مخاصمات مسلحانه لازم‌الاجرا می‌باشند در نظر بگیرند. موضع‌گیری شورای امنیت و رویه‌ای که شورای امنیت در اعمال تحریم‌ها بر طبق ماده ۴۱ منشور در پیش گرفته است بیانگر آن است که شورای امنیت از ضرورت انطباق اقدامات خود با ملاحظات بشردوستانه آگاه است. از این رو معمولاً در اغلب قطعنامه‌های صادره در خصوص تحریم‌ها ضروریات دارویی و غذایی را از شمول تحریم‌ها مستثنی نموده است و بنابراین اتخاذ این رویه از جانب اعضای شورای امنیت خود مبین محدود شدن اختیارات شورای امنیت و افزایش استثنائات وارد بر شمول تحریم‌های اقتصادی می‌باشد. «به‌طور بالقوه تحریم‌ها

می‌تواند مخرب‌تر از جنگ باشند. اجازه دادن به بازیگران یک‌جانبه یا چندجانبه اعمال تحریم‌های اقتصادی بدون توجه به صدمات جانبی آن‌ها به اهداف بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی آسیب وارد می‌سازد همچنین تحریم‌های اقتصادی تنها زمانی می‌تواند استفاده شوند که قادر به تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان باشند» (عمادی، ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۲۲).

همچنین به موجب بند ۱ ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول، گرسنه نگاه داشتن جمعیت غیر نظامی به عنوان یک روش جنگی ممنوع می‌باشد ماده ۱۴ پروتکل الحاقی، دوم همچنین ایجاد قحطی بین شهروندان به عنوان یک وسیله رزمی را ممنوع ساخته است؛ همین طور به موجب ماده مذکور، حمله کردن، تخریب، منتقل کردن یا جابه جا کردن بی فایده اموال ضروری برای بقا جمعیت غیر نظامی همانند مواد غذایی، مناطق کشاورزی مختص تولید، مواد خوراکی، محصولات، حیوانات اصلی، تأسیسات آب آشامیدنی و عمل آبرسانی را ممنوع ساخته است. کمیسیون حقوق بشر در مورخ ۱۷ آوریل ۲۰۰۰ قطعنامه راجع حق بر غذا تأیید کرد که گرسنگی، جریحه دار کردن و نقض کرامت انسانی است».

«به عقیده برخی از صاحب نظران، مقررات مزبور در اجرای اقدامات قهری شورای امنیت نیز کاربرد دارند، زیرا در حال که، هرگونه ایجاد گرسنگی برای مردم عادی در خلال مخاصمات مسلحانه که ممکن است در زمان کوتاهی جریان داشته باشد، ممنوع می‌باشد، این ممنوعیت را می‌توان به برنامه‌های تحریم که گاه سالها به طول می‌انجامد و جمعیت وسیعی از مردم یک کشور را با قحطی و گرسنگی مواجه می‌سازد تعمیم داده» (فرخ سیری، ۱۳۸۷: ۵۶).

علاوه بر موارد پیش گفته می‌توان این معیار را نیز اضافه کرد که شورای امنیت در هنگام پذیرش قطعنامه‌های متضمن تحریم باید به آن توجه داشته باشد. این معیار عبارت است از تفکیک بین مردم و دولت مقررات لاهه راجع به قواعد و عرفهای جنگ‌های زمینی (۱۹۰۷) در ماده ۵۰ خود مقرر می‌دارد «که هیچ گونه مجازاتی اعم از مالی و غیر آن علیه گروهی از مردم به دلیل رفتار افرادی که آن گروه نمی‌توانند مشترکاً و منفرداً مسئول اقدامات آنها قلمداد گردند اعمال نخواهد شد». در این مورد کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در تفسیر کلی ۱۲ دسامبر ۱۹۹۷ خود عنوان می‌کند که افراد مقیم در یک کشور نباید به این دلیل که رهبرانشان قواعد مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی را نقض کرده‌اند از حقوق اساسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خود محروم گردند» (Kchler, 1999: 67).

بند ۳ ماده ۸۷ کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ و بند ۱ ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو نیز مجازات جمعی را ممنوع اعلام کرده‌اند. «تحریم‌ها مغایر با مجازات جمعی هستند که در حقوق بین‌الملل منع شده است. در حقیقت خطاکار و مجرم دولت است اما شهروندان بی‌گناه نیز باید متحمل مجازات شوند. مجازات‌های جمعی همچنین به موجب شق د ماده ۴ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیونهای ژنوه و حقوق بین‌الملل بشر منع شده‌اند. در نهایت پذیرش جرم بین‌المللی دولت می‌تواند تا حدی مانع از کاهش آثار تحریم‌ها شود. اگر در حقوق بین‌الملل این پدیده پذیرفته شود آن وقت دیگر هر کسی خود توان فعل یا ترک فعل خود را خواهد دید و شهروندان مجبور نیستند تاوان ندانم کاری‌های دولتمردان را پس دهد.

نتیجه‌گیری

هدف از تحریم ایران این بود که ایران از برنامه هسته‌ای خود صرف نظر کرده و از توان هسته‌ای برای تولید سلاح‌های هسته‌ای بازداشته شود تا تحریم‌ها بر افکار عمومی اثرگذار باشد و جمهوری اسلامی با بازدارندگی از فعالیت‌های هسته‌ای مورد بازرسی سازمان ملل متحد و قدرت‌های جهان قرار بگیرد. تحریم جمهوری اسلامی ایران با این بهانه بود که ماهیت برنامه هسته‌ای ایران مبهم است و تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی است و ایران به دنبال تولید سلاح هسته‌ای می‌باشد. به باور قدرتهای جهان جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه جایگاه استراتژیکی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی دارد موضوع فعالیت‌های هسته‌ای می‌تواند برای امنیت عمومی جهان خطر آفرین باشد. در مجموع می‌توان گفت اروپا و آمریکا از تحریم در راستای تغییر در سیاست منطقه‌ای ایران استفاده کردند چراکه موضوع هسته‌ای بهترین عامل برای اعمال فشار بر ایران بود که می‌توانست مانع گسترش نفوذ آن در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شود.

تحریم‌های اروپا و ایالات متحده بر علیه ایران منافی با برقراری همکاری‌های بین‌المللی در شرایط عادلانه و منصفانه بر اساس میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۹۶۶) و ناقض حق توسعه اقتصادی کشورها به موجب منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها (مصوب ۱۹۷۴) و مخالف با مقررات سازمان تجارت جهانی مصوب (۱۹۹۵) است. تحریم‌های اروپا و آمریکا، از منظر حقوق بین‌الملل اقتصادی که مبتنی بر اصول نوکلاسیک اقتصادی هست، در تناقض آشکار با تجارت آزاد و حق حاکمیت کشورها است. از آنجا که براساس اعلامیه ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ وین، حق، توسعه به عنوان حق جدایی ناپذیر انسانی شناخته شده

است تحریمهای اقتصادی یک جانبه نقض حق توسعه کشورهاست. از زاویه‌ای حقوق بین‌الملل اقتصادی، تحریم‌های اروپا و آمریکا، ناقض اصل حق توسعه است چنانچه تحریمهای مورد اشاره از زاویه حق توسعه، موجب وقفه در روند همزیستی بین‌المللی و نهایتاً ضربه به صلح و امنیت جهانی می‌گردد و این امری انکارناپذیر است.

منابع

- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۳). روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۵۹ (۱۹۷-۱۹۸)، ۴۰-۵۳.
- خالوزاده، سعید (۱۳۸۵). اتحادیه اروپایی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت
- خوش اندام، بهزاد (۱۳۸۶). مدیریت بحران هسته‌ای ایران از منظر اتحادیه اروپا و گزینه‌های جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه خلع سلاح، ۱(۱)، ۱۲۰-۱۳۳.
- ریکاردز، جیمز (۱۳۹۳). جنگ‌های ارزی، ترجمه رحیم میلانی، چاپ اول، تهران: انتشارات شرکت ناجی نشر.
- شایگان، فریده (۱۳۹۰). تحریم‌های هدفمند شورای امنیت و حق اشخاص هدف بر دادرسی منصفانه، حقوق، ۱(۴)، ۱۱۵-۱۸۶.
- صیقلانی، زینب (۱۳۸۹). تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت و موازین حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد علیرضا ظاهری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ضیاء بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۲). حقوق جنگ (حقوق منحصمات مسلحانه)، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ظریف، محمدجواد و میرزایی، سعید (۱۳۷۶). تحریم‌های یک جانبه امریکا علیه ایران، سیاست خارجی، ۱۱(۱) ۹۲-۴۵.
- عمادی، سید محسن (۱۳۹۱). تأثیر تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد در بهره‌مندی از حقوق بشر، سیاست خارجی، ۱(۱)، ۱۲۲-۱۵۰.
- غریب آبادی، کاظم (۱۳۸۵). اصل تناسب در اتخاذ تحریم‌های اقتصادی، رساله دکتری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- فرخ سیری، منصور (۱۳۸۷). مناسبات متقابل میان تحریم‌های اقتصادی و حقوق بین الملل بشر، رساله دکتری حقوق بین الملل، به راهنمایی استاد سید قاسم زمانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- فلاحی، علی (۱۳۸۶). استراتژی امنیتی اروپا در قبال خاورمیانه (کتاب اروپا)، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۷). رویکرد آمریکا به موضوع برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران (در رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران)، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک کلاوسون، پاتریک و سوکولسکی، هنری (۱۳۸۴). آماده باش برای ایران در آستانه هسته‌ای شدن، چاپ اول، تهران: انتشارات کتابخانه دیجیتالی دید.
- لاریجانی، علی (۱۳۸۴). سیاست هسته‌ای ایران (چالش‌ها و راه حل‌ها)، همشهری دیپلماتیک، ۱۵ (۷۶)، ۱-۸.

موسی زاده، رضا (۱۳۹۰). سازمان‌های بین‌المللی، چاپ هجدهم، تهران: نشر میزان.

نژندی‌منش، هیبت‌الله (۱۳۸۵). تحریم‌های اقتصادی و حقوق بین‌الملل بشر، روزنامه اعتماد ملی، ۱۵ (۷۸)،

۸-۱

نعمتی، نیلوفر (۱۳۸۸). مشروعیت تحریم از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران،

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد فریده شایگان و مسعود اسلامی، تهران: دانشگاه پیام نور.

هکی، فرشید (۱۳۸۹). گفتمان حقوق بشر برای همه، چاپ اول، تهران: نشر موسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی.

Bush, George W (2006), Speech to the Foundation for the Defense of Democracies, George Washington University, Washington DC BMarch, at: <http://www.mhprofessional.com/product.php?isbn=0073515256>. 83.

Byman, Daniel (2005), Iran Terrorism and weapons of Mass Destruction Testimony before the House Homeland Security Committee (Subcommittee on the Prevention of Nuclear and Biological Attacks September), at: http://www.brookings.edu/testimony/2005/0908iran_byman.aspx.

David and Lopez, George A(2002), Sanctions and the search for security challenges to UN action, second edition, out of place :L. Rienner Publishers.

Staff Report of the House Permanent Select Committee on Intelligence Subcommittee on Intelligence Policy (2006), Recognizing Iran as a Strategic Threat(An Intelligence Challenge for the United States), August, at: <http://intelligence.house.gov/media/pdfs/iranreport082206v2.pdf>

Kehler, Hans(1999), Ethical Aspects of Sanctions in International Law The Practiceofthe SanctionsPolicyandHumanRights, *Vienna International Progress Organiz ation (I.P.O) RESEARCHPAPERS*,5(25),67

Salgado, Sebasti(2005), Humanrightsfo rhumandignity Aprimeronecon omic,socialand cultur alrights, second edition, UnitedKingdom: AmnestyInt ernationa lPublications.

Shaw,MalcomN(2008),InternationalLaw,Sixth edition, Cambridge: Cambridge University Press.

U.S. Department of State (2005), Country Reportson Terrorism 2004, April, at: http://www.globalsecurity.org/intell/library/congress/2006_rpt/al-qaeda_hpsci_109-615-05.htm.